

نقش کسب‌وکارهای کوچک در تأمین نیازهای اساسی زنان سرپرست خانوار روستایی در استان همدان

حشمت‌اله سعدی*

دانشیار دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا، همدان

(تاریخ دریافت: ۹۰/۱۲/۰۷ - تاریخ تصویب: ۹۱/۱۲/۰۹)

چکیده

از دیدگاه صاحب‌نظران توسعه روستایی، ساماندهی کسب‌وکارهای کوچک (SEs) راهبردی برای توانمندسازی روستاییان به‌ویژه زنان فقیر و سرپرست خانوار است. در ایران نیز با همین هدف تاکنون صدها کسب‌وکار کوچک به دست زنان سرپرست خانوار راه‌اندازی شده است. تحقیق حاضر با هدف بررسی آثار SEs بر توانمندی اقتصادی زنان سرپرست خانوار روستایی در استان همدان اجرا شده است. این تحقیق از نوع کاربردی و روش آن توصیفی است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌ای محقق ساخته بوده است که ضریب پایایی آن ۰.۸۵ برآورد شده است. جامعه آماری تحقیق ۷۱۲ زن سرپرست خانوار روستایی در سال ۱۳۹۰ است که ۱۰۹ نفر از آن‌ها برای نمونه از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب انتخاب شدند. تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست آمده در دو بخش توصیفی و استنباطی و از طریق نرم‌افزار SPSS انجام پذیرفت. برای ارزیابی نیازهای اصلی خانوار از روش بررسی و تحلیل حداقل نیاز اساسی خانوار (MBN) استفاده شده است. در تأمین نیازهای اساسی خانوار، سه متغیر درآمد کسب‌وکار، تعداد افراد تحت تکفل و خط فقر جامعه روستایی تأثیرگذارند. در این تحقیق، درصد افرادی که می‌توانند نیازهای اساسی خانوار را با توجه به سناریوهای مختلف خط فقر در جامعه روستایی مرتفع کنند مطالعه شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد با افزایش خط فقر توانایی زنان سرپرست خانوار در تأمین نیازهای اساسی با شیب تندی کاهش می‌یابد. در پایان نیز با توجه به نتایج تحقیق توصیه‌هایی بیان شده است. شناسایی و معرفی کسب‌وکارهای پردرآمد، آموزش زنان سرپرست خانوار در مدیریت درآمدها و هزینه‌ها، کنترل نرخ تورم و پایین آوردن خط فقر در جامعه روستایی و در نهایت جبران منابع مالی زنان سرپرست خانوار تا حد خط فقر از جمله پیشنهادها برای این تحقیق است.

واژه‌های کلیدی: حداقل نیازهای اساسی، خط فقر، زنان روستایی، زنان سرپرست خانوار، کسب‌وکار کوچک.

مقدمه

قبولی دارند. بر اساس برخی مطالعات، آن‌ها می‌توانند درآمد روستاییان را تا ۳۵ درصد افزایش دهند (Hagglblade & et al., 2009).

SEs به‌ویژه در جوامع کوچک و توسعه‌نیافته بیشتر با استقبال زنان روبه‌رو شده است (Chun, 1998). افزایش فرصت‌های شغلی برای زنان در خارج از خانواده عموماً از نظر توسعه اقتصادی نقطه مثبتی تلقی می‌شود؛ زیرا درآمد ناشی از اشتغال و دریافت دستمزد استانداردهای زندگی فرد شاغل را افزایش می‌دهد از مجموع زنان ایران، زنان روستایی نخستین گروهی هستند که از کسب‌وکارهای کوچک استقبال کرده‌اند. از این مجموعه نیز زنان سرپرست خانوار میل بیشتری به ایجاد کسب‌وکار دارند. این گروه بیش از سایر زنان با مشکل اقتصادی روبه‌رو هستند و بنابراین گرایش بیشتری به فعالیت‌های اقتصادی در سطح خرد برای تأمین نیازهای اولیه خود دارند.

وضعیت زنان سرپرست خانوار در ایران

در بسیاری از جوامع، معمولاً مردان سرپرست خانواده محسوب می‌شوند؛ اما در برخی شرایط چنین مسئولیتی بر عهده زنان قرار می‌گیرد. بنا بر تعریف زنان سرپرست خانوار شامل زنان بیوه، زنان مطلقه، همسران مردان معتاد یا ازکارافتاده، همسران مردان زندانی، همسران مردان بیکار و زنان و دختران خودسرپرست (زنان سالمند و دخترانی که هرگز ازدواج نکرده‌اند) است. بر اساس آمار و اطلاعات سازمان‌های بین‌المللی، حداقل ۳۷ درصد خانوارهای جهان را زنان سرپرستی می‌کنند (Motee, 2009). این رقم در کشورهای اروپای غربی ۱۸ تا ۲۵ درصد و در آمریکا ۱۸/۲ درصد است و در برخی از مناطق آفریقای تا ۶۰ درصد افزایش می‌یابد. شواهد و قرائن نشان می‌دهد تعداد خانوارهایی که در جهان توسط زنان سرپرستی می‌شود روزبه‌روز در حال افزایش است (Ietvak, 2001). در ایران نیز تعداد زنان سرپرست خانوار روندی صعودی و افزایشی دارد. بر اساس آمار سال ۱۳۸۵ تعداد خانواده‌های زن‌سرپرست در ایران بیش از یک میلیون و ۶۴۱ هزار خانوار بوده‌است (۱۰/۵ درصد خانوارهای ایرانی). از این تعداد، حدود ۴۸۱ هزار نفر ساکن مناطق روستایی و بقیه ساکن مناطق شهری هستند. مقایسه آمارها در سال‌های مختلف نشان می‌دهد سالانه ۶۰ هزار زن در کشور بی‌سرپرست شده‌اند (ISC, 2007). از دیدگاه بسیاری از صاحب‌نظران،

کسب‌وکار کوچک (SEs)^۱ بنا به تعریف کسب‌وکاری است که اغلب متعلق به بخش خصوصی است و تعداد کارمندان آن محدود و فروش تولیدات آن تقریباً اندک است. مفهوم کوچک در این تعریف متغیر و به نوع فعالیت یا کشور مورد بررسی بستگی دارد. انستیتو تکنولوژی جورجیا در بررسی خود در ۷۵ کشور به پنجاه تعریف مختلف دست یافته است (Taherkhani, 2001). این رقم از کمتر از ۸ نفر در کشور چین (Mohapatre & et al, 2007) تا ۵۰۰ نفر شاغل در کشور آمریکا متغیر است (SBA, 2012). در آلمان، کسب‌وکارهای کمتر از ۱۰ نفر پرسنل کوچک محسوب می‌شوند. در ایران نیز کسب‌وکارهایی که تعداد ۹ نفر یا کمتر نیروی انسانی دارند کسب‌وکار کوچک تلقی می‌شوند؛ البته در تعریف مشاغل کوچک علاوه بر تعداد کارکنان شاخص‌های دیگری چون فروش سالانه (گردش مالی)، ارزش داری و سود خالص (ترازنامه) و به‌ویژه حجم سرمایه‌گذاری اهمیت بسیار دارد (Kalantary, 1998). از دیدگاه اقتصادی، کسب‌وکارهای کوچک ابزاری برای رشد اقتصادی و اجتماعی هستند و می‌توانند در کاهش نرخ بیکاری و ایجاد فرصت‌های جدید اشتغال مؤثر باشند.

براساس مطالعات انجام‌شده، این گونه کسب‌وکارها توانایی پاسخگویی سریع به تغییرات بازار و نیازهای مشتری را دارند (Jones and Macpherson, 2006) و به‌آسانی می‌توانند خود را با شرایط جدید هماهنگ کنند. در واقع، آن‌ها رفتاری پویا در مواجهه‌شدن با شرایط متغیر محیطی دارند (Sarosa, 2007). می‌توان گفت مشاغل خرد تقاضامحورند و خود را با نیاز مخاطب هماهنگ می‌کنند. علاوه بر سازگاری با شرایط خارجی متناسب با شرایط مخاطب، مشاغل کوچک قادرند روش‌ها و مکانیزم تولید، بازاریابی و فعالیت‌های خود را به سرعت تغییر دهند. بخشی از توانایی‌های مشاغل خرد در مواجهه‌شدن با محیط و سازگارکردن فرایندهای داخلی ارتباط با مدیران این واحدهاست. بسیاری از این مشاغل را کارآفرینان مدیریت می‌کنند. آن‌ها توانایی خلق و بهره‌گیری از ایده‌های جدید را دارند و می‌توانند خود را با شرایط محیطی سازگار کنند (Hung & et al, 2007). ارزیابی اقتصادی کسب‌وکارهای کوچک نشان می‌دهد این مشاغل توجیه اقتصادی قابل

1. Small Enterprise,s (SEs)
2. Small Business Administration (SBA)

می‌دهد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، بیشترین تعداد در خراسان رضوی و کمترین آن‌ها در استان‌های کهگیلویه و بویراحمد و ایلام ساکن هستند (ISC, 2007).

افزایش تعداد زنان سرپرست خانوار خود به یک مشکل اجتماعی بدل شده است (Khosravei, 1999). جدول ۱ تعداد زنان سرپرست خانوار را به تفکیک استان نشان

جدول ۱. فهرست زنان سرپرست خانوار در ایران

ردیف	استان‌ها	کل	شهری	روستایی
۱	مرکزی	۳۶۱۵۲	۲۲۲۵۱	۱۳۹۰۱
۲	گیلان	۶۸۹۰۷	۳۶۵۶۹	۳۲۳۳۷
۳	مازندران	۶۲۱۲۹	۳۴۳۶۵	۲۷۷۶۴
۴	آذربایجان شرقی	۷۷۳۵۴	۵۶۲۹۱	۲۱۰۶۳
۵	آذربایجان غربی	۵۰۱۵۹	۳۵۷۷۹	۱۴۳۸۰
۶	کرمانشاه	۴۳۲۸۱	۳۱۴۹۳	۱۱۷۳۶
۷	خوزستان	۶۶۴۲۰	۵۰۴۴۱	۱۵۸۵۳
۸	فارس	۹۹۶۶۵	۶۵۹۹۴	۳۳۳۰۴
۹	کرمان	۶۵۶۴۶	۳۷۰۸۲	۲۸۳۷۶
۱۰	خراسان رضوی	۱۵۳۰۶۱	۱۰۲۸۴۳	۵۰۱۹۹
۱۱	اصفهان	۱۱۹۱۵۷	۹۸۳۶۹	۲۰۷۷۱
۱۲	سیستان و بلوچستان	۴۹۸۵۶	۱۸۴۶۳	۳۱۲۲۷
۱۳	کردستان	۲۷۳۱۴	۱۷۷۷۱	۹۵۴۳
۱۴	همدان	۴۳۹۰۵	۲۷۸۴۱	۱۶۰۵۵
۱۵	چهارمحال و بختیاری	۱۸۹۴۴	۱۰۴۶۹	۸۴۶۴
۱۶	لرستان	۳۳۸۳۷	۲۲۸۶۹	۱۰۹۴۰
۱۷	ایلام	۸۸۳۶	۵۳۱۴	۳۴۸۱
۱۸	کهگیلویه و بویراحمد	۹۳۵۱	۳۸۱۲	۵۵۳۰
۱۹	بوشهر	۱۶۴۲۸	۱۰۰۲۸	۶۳۶۴
۲۰	زنجان	۲۱۴۵۵	۱۳۰۷۵	۸۳۸۰
۲۱	سمنان	۱۶۶۴۲	۱۱۴۲۹	۵۲۱۳
۲۲	یزد	۲۴۳۸۶	۱۷۷۱۵	۶۶۷۱
۲۳	هرمزگان	۳۰۰۸۸	۱۱۳۵۹	۱۸۶۹۴
۲۴	تهران	۳۵۱۲۰۲	۳۳۳۵۵۶	۱۷۶۴۶
۲۵	اردبیل	۲۴۵۴۲	۱۴۷۱۴	۹۸۲۵
۲۶	قم	۲۱۳۳۹	۱۹۵۹۵	۱۷۴۴
۲۷	قزوین	۲۲۷۸۱	۱۵۱۵۷	۷۶۲۴
۲۸	گلستان	۳۴۷۷۷	۱۷۴۸۳	۱۷۲۷۵
۲۹	خراسان شمالی	۲۳۷۰۱	۱۰۷۵۳	۱۲۸۸۴
۳۰	خراسان جنوبی	۱۹۷۲۹	۷۸۶۷	۱۱۸۴۲
جمع کل		۱۶۴۱۰۴۴	۱۱۶۰۷۴۷	۴۷۹۰۸۶

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸

جامعه زنان سرپرست خانوار روستایی استان همدان مشابه سایر زنان سرپرست خانوار روستایی با مشکلات بسیاری روبه‌رو هستند. نتایج مطالعات مختلف نشان می‌دهد همواره

همان‌گونه که جدول ۱ نشان می‌دهد، حدود ۲/۷ درصد زنان سرپرست خانوار کشور در استان همدان ساکن هستند. از این تعداد ۳۷/۷ درصد ساکن روستا و بقیه ساکن شهرند.

یکی از علائم بیماری‌های روانی مانند افسردگی، اضطراب، وسواس و پرخاشگری در آن‌ها دیده می‌شود. فرزندان این خانواده‌ها به طور بالقوه در معرض مسائلی مانند کار کودکان در مشاغل سیاه و غیررسمی، بزهکاری اجتماعی، محرومیت از تحصیل و سوء تغذیه قرار دارند.

توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار

در چهارمین کنفرانس جهانی زنان در سال ۱۹۹۵ در شهر پکن، توانمندسازی به معنای قدرت‌بخشیدن به زنان در جهت تعیین کنش‌های زنان در زندگی، اقتدار در تصمیم‌گیری و دسترسی به منابع تعریف شده است. توانمندسازی زنان، که یکی از اهداف سیاست‌گذاری توسعه است، یکی از پیش‌شرط‌های دستیابی به توسعه پایدار نیز عنوان می‌شود (Sarifzadeh & habibpour, 2004). توانمندسازی می‌تواند در حوزه‌های مختلف اتفاق بیفتد که البته یکی از مهم‌ترین آن‌ها حوزه مسائل اقتصادی است. فرایند توانمندسازی زنان در چهارچوب مباحث توسعه اقتصادی از اهمیت بالایی برخوردار است. تأمین نیازهای اساسی یکی از عوامل اصلی در بهبود کیفیت زندگی و توانمندی جامعه نیازمند است. واقعیت این است که اجرای طرح‌های درآمدزا، باعث احساس توانمندسازی در زنان سرپرست خانوار می‌شود (Golipour & rahimiyan, 2009). براساس مطالعات انجام‌شده زنانی که مهارت‌های درآمدزا دارند، در مقایسه با زنان دیگر از کیفیت زندگی بالاتری برخوردارند (Boldachi & et al, 2009).

توانمندی اقتصادی زنان سرپرست خانوار به آنان اجازه می‌دهد که حاصل تلاش خود را در راه‌هایی که صلاح می‌دانند به مصرف برسانند. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد نشان می‌دهد، استقلال مالی زنان سرپرست خانوار باعث می‌شود که آنان از لحاظ اقتصادی به پدر یا بستگان خود وابستگی نداشته باشند (Arabmazar & Saadi, 2005; Ketabei & et al, 2004). خوداتکایی مالی زنان روستایی انگیزه آنان را برای اشتغال مؤثر و مفید افزایش می‌دهد، در نتیجه کارکردهای شغلی آنان در جهت خدمت به خانواده، اجتماع روستایی و جامعه شهری افزایش می‌یابد و بدین ترتیب این امر به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به رشد اقتصادی جامعه کمک می‌کند. عده زیادی از اندیشمندان مسائل مربوط به زنان بر این باورند که تمکین مالی و

مشکل فقر در این خانوارها بیش از خانوارهای با سرپرست مرد بوده است. عامل فقر اقتصادی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم خود را بر وضعیت فرهنگی-اجتماعی خانواده بر جای می‌گذارد. زنان سرپرست خانوار از گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه‌اند؛ این در حالی است که شکاف فقر آن‌ها با متوسط جامعه روزبه‌روز بیشتر می‌شود (Shadi talab & Gerai, 2005; Forozan & Biglarian, 2004; ghavami, 2006). برخی از صاحب‌نظران اصطلاح فقیرترین فقرا را برای زنان سرپرست خانوار به کار می‌برند (Buvinic, 1994; Bullock, 1995)؛ البته شدت مشکلات اقتصادی با توجه به علل سرپرستی متفاوت است. بررسی‌های مختلف نشان می‌دهد در جامعه زنانی که همسر خود را از دست داده‌اند در مقایسه با زنانی که به دلیل طلاق یا اعتیاد از همسر خود جدا شده‌اند وضعیت اقتصادی بهتری دارند.

براساس آمار و اطلاعات مرکز آمار ایران (ISC, 2007)، حدود ۷۰ درصد از زنان سرپرست خانوار به دلیل فوت همسر مسئولیت خانواده را بر عهده گرفته‌اند. ۲۱/۶ درصد از زنان سرپرست خانوار همسر دارند اما به دلایلی چون معلولیت همسر، اعتیاد و موارد مشابه سرپرستی خانواده را بر عهده گرفته‌اند. ۴ درصد از این زنان نیز به دلیل طلاق از همسر خود جدا شده‌اند و ۳/۵ درصد اساساً ازدواج نکرده و سرپرست خانوار شده‌اند. بسیاری از زنان سرپرست خانوار از فقدان چتر حمایتی و تأمین مالی و اجتماعی رنج می‌برند. در جامعه شهری، تنها ۳۱/۴ درصد و در جامعه روستایی ۴۴/۲ درصد این زنان به منابع درآمدی مستقل دسترسی دارند و بقیه، بیشتر به کمک سایر اعضای خانواده یا کمک‌های انفاقی متکی هستند. سازمان بهزیستی هم که متولی رسیدگی به امور چنین زنانی است در حال حاضر تنها ۱۴۷ هزار نفر را زیر پوشش خود دارد. مستمری ماهیانه‌ای که به این زنان تعلق می‌گیرد، در بهترین حالت، به حدود ۳۰۰ هزار ریال (برای خانواده‌های بیش از دو نفر تا پنج نفر) می‌رسد. بر اساس مطالعه Choghataee (۱۹۹۹) ۷۰ درصد این زنان با مشکلات مالی روبه‌رو هستند؛ البته این نیاز در جامعه روستایی شدیدتر از جامعه شهری است. از نظر Ghavvamei (۲۰۰۶) و Sharifi & et al (۲۰۱۱)، مهم‌ترین مشکل زنان سرپرست خانوار مشکل اقتصادی است. وضعیت بد اقتصادی موجب شده است که هم زنان سرپرست خانوار و هم فرزندان آن‌ها از آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه در برابر آسیب‌های اجتماعی باشند و به‌طور عمده

که خانوار علاوه بر تأمین نیازهای خود می‌تواند پس‌انداز کند یا به نیازهای غیرضروری خود بپردازد) متغیر باشد. MBN شاخصی است که با ارزیابی و تحلیل مستمر اطلاعات در مورد حداقل نیازهای اساسی خانواده‌ها به دولت‌ها و سازمان‌های مختلف محلی و بین‌المللی در سنجش شدت فقر و طبقه‌بندی افراد با توجه به خط فقر کمک می‌کند. یکی از فرض‌های کلیدی در رهیافت MBN این است که دولت‌ها باید منابع لازم برای توسعه جوامع فقیر را تأمین کنند؛ اما واقعیت این است که توسعه، زمانی تحقق می‌پذیرد که در کنار حمایت‌های دولت مردم نیز مشارکت فعال داشته باشند (Midgley, 1995)؛ به بیان دیگر، آن گونه که برنامه توسعه سازمان ملل متحد می‌گوید، توسعه اجتماعی و اقتصادی زمانی تحقق می‌پذیرد که بین دولت، بخش خصوصی، سازمان‌های غیر دولتی و مردم ارتباط تنگاتنگ برقرار شود (UNDP, 1994).

هم‌اکنون، در کشور فلیپین برنامه‌ای با عنوان MBN-CBPIMS^۱ در حال اجراست. طی این برنامه سازمان‌های بین‌المللی با کمک کارشناسان این کشور با استفاده از شاخص حداقل نیاز اساسی و نظارت بر شاخص‌های محلی درصدد ارزیابی مستمر منابع، شدت فقر و چاره‌جویی برای حل این مشکل هستند. در کشور سریلانکا نیز اجرای برنامه توانسته‌است ضمن فراهم کردن داده‌های قابل اعتبار در برنامه‌های ملی به ارزیابی دقیق گروه‌های کم‌درآمد در کشور کمک کند (Isenman, 2002).

پرسش اساسی در پژوهش حاضر این است که آیا درآمد حاصل از کسب و کارهای کوچک می‌تواند به نیازهای اساسی خانواده‌های زنان سرپرست خانوار پاسخ دهد یا خیر؟ این تحقیق دو هدف اساسی دارد:

۱. برآورد نیازهای اساسی خانوار
۲. ارزیابی سهم درآمد زنان سرپرست خانوار روستایی از محل کسب و کارهای کوچک در تأمین نیازهای اساسی خانوار برای دستیابی به این اهداف تحقیق حاضر در استان همدان صورت پذیرفته است.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر با استفاده از شیوه تحلیلی و توصیفی به بررسی تأثیر کسب و کارهای کوچک در تأمین نیازهای اساسی زنان سرپرست خانوار استان همدان پرداخته‌است. در استان

خودتکایی زنان یک عامل مؤثر در بهداشت روانی و افزایش عزت نفس آن‌هاست (Anzejab & Faraj khoda, 2004). راه‌اندازی کسب و کارهای کوچک راهبردی در جهت توانمندسازی زنان سرپرست خانوار روستایی است؛ زیرا نخست منجر به ارتقای سطح درآمد زنان و افزایش توان اقتصادی آنان می‌شود و سپس می‌تواند عزت نفس آن‌ها را به دنبال داشته‌باشد. در حال حاضر، زنان سرپرست خانوار در ایران در صدها کسب و کار کوچک مشغول فعالیتند. بر اساس داده‌های موجود مشاغل کوچکی چون قالیبافی، دامداری، خیاطی، گلدوزی و کارهای خدماتی بیش از سایر فعالیت‌ها با استقبال این افراد روبه‌رو شده‌اند. تسهیلات لازم برای توسعه و راه‌اندازی این کسب و کارها از سوی نهادهای رسمی و غیررسمی از جمله وزارت بازرگانی، وزارت صنایع و معادن، وزارت تعاون، وزارت کار و امور اجتماعی، بانک کشاورزی، کمیته امداد امام خمینی (ره)، سازمان بهزیستی و مؤسسات خصوصی تأمین می‌شود.

ارزیابی نیازهای اساسی زنان سرپرست خانوار

بر اساس مطالعات انجام‌شده تأمین نیازهای اساسی نخستین گام در توانمندی اقتصادی است. نیازهای اساسی مجموعه نیازهای تعریف‌شده‌ای است که برای تأمین یک زندگی فعال و مؤثر ضروری است. در یک تقسیم‌بندی مورد توافق، نیاز اساسی شامل نیاز به غذا، پوشاک، مسکن، آموزش و بهداشت است. ارزیابی نیازهای اساسی جامعه مفهوم جدیدی نیست و استفاده از آن به‌ویژه در برآورد فقر به دهه ۱۹۷۰ برمی‌گردد. در این دهه، تأمین حداقل خدمات اجتماعی برای فقیرترین مردم، به گونه‌ای که بتوانند به صورت پایدار زندگی کنند، هدف سازمان‌های بین‌المللی چون UNDP/ UNESCO/ WHO/ UNFPA در برنامه‌های توسعه قرار گرفت. در این دوره، تحقق زندگی پایدار با کاهش فقر ممکن می‌شد. لازمه این مهم نخست ارزیابی میزان و شدت فقر و تأمین نیازهای اساسی بود (Heinonen & et al, 2000). برای ارزیابی نیازهای اساسی از روش برآورد توانایی فرد در تأمین حداقل نیازهای اساسی (MBN)^۱ استفاده می‌کنند. در این روش، با استفاده از شاخص‌های مختلف توانایی فرد در پاسخگویی به نیازهای اساسی خانوار بر حسب درصد بیان می‌شود؛ به این ترتیب MBN می‌تواند از صفر (زمانی که خانوار هیچ درآمدی ندارد) تا بیش از صد درصد (زمانی

1. Minimum Basic Need (MBN)

2. MBN-Community Based Poverty Indicator & Monitors System

PL= سرانه خط فقر؛
N= بعد خانوار یا افراد تحت تکفل.

نتایج

توصیف داده‌ها

با توجه به نتایج تحقیق، ۶۱ درصد زنان سرپرست خانوار مورد بررسی با حمایت کمیته امداد امام خمینی (ره) اقدام به ایجاد کسب‌وکار کرده‌اند. آن‌ها در گروه‌های مختلف سنی قرار دارند. جوان‌ترین نمونه ۲۳ سال و مسن‌ترین آن‌ها ۶۵ سال سن دارد (میانگین ۴۲/۵۴ سال با انحراف معیار برابر ۹/۶۴). از مجموع پاسخگویانی که سن خود را ذکر کرده‌اند، بیشترین فراوانی مربوط به نمونه‌هایی است که سن آن‌ها بین ۴۱ تا ۶۰ سال است (۳۰/۲ درصد). زنان سرپرست خانوار در حدود ۳۲ نوع کسب‌وکار مثل قالیبافی، آرایشگری، سفالگری، تولید و پرورش گل، دامداری و موارد مشابه به فعالیت مشغولند. متأسفانه، هنوز بیسوادی در جامعه مورد بررسی ریشه‌کن نشده است، به طوری که ۳۵/۸ درصد زنان مورد بررسی بیسواد هستند. علاوه بر این حدود ۴۰/۴ درصد زنان در مرز بیسوادی و سطح پایین آموزش قرار دارند و از این نظر بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. ۲۰/۲ درصد زنان مورد بررسی به دلایل مختلف از همسران خود جدا شده‌اند. ۵۰/۵ درصد همسر خود را از دست داده و حدود ۳۰ درصد نیز با وجود داشتن همسر به دلایل مختلف چون اعتیاد، زندان رفتن، معلولیت شدید جسمی و بیکاری طولانی مدت شوهرانشان سرپرستی خانواده را بر عهده دارند. به‌طور متوسط، زنان روستایی در کسب‌وکار خود ۸/۵ سال سابقه فعالیت دارند (انحراف معیار ۷/۵ سال). افرادی که در کسب‌وکارهای کوچک و خانگی فعالیت دارند ساعت‌های زیادی از وقت و انرژی خود را در شبانه‌روز به کار در حرفه خود اختصاص می‌دهند، حتی اگر به کارهای پاره‌وقت یا نیمه‌وقت دیگری نیز بپردازند (Carter & et al, 2004). این افراد گاهی تا ۴۰ ساعت در هفته فعالیت دارند (Mason & et al, 2010). نتایج نشان داد هر زن روستایی سرپرست خانوار به طور متوسط در طول شبانه‌روز شش ساعت در کسب‌وکار خود فعالیت دارد (انحراف معیار ۲/۸۲ ساعت)؛ البته این میزان از ۲ ساعت و ۴۰ دقیقه تا ۷ ساعت و ۱۰ دقیقه در شبانه‌روز متغیر است. افراد بررسی‌شده با این میزان فعالیت به طور متوسط در هر ماه ۱۷۵۰ ریال درآمد کسب می‌کنند؛ البته درآمد حاصل از

همدان، در مجموع ۴۳۹۰۵ نفر زن سرپرست خانوار وجود دارد که تعداد ۱۶۰۵۵ نفر آن‌ها در روستاها زندگی می‌کنند. بخش محدودی از زنان روستایی سرپرست خانوار (۷۱۲ نفر) اقدام به راه‌اندازی کسب‌وکار کوچک کرده‌اند. جامعه آماری پژوهش را زنان سرپرست خانوار استان همدان تشکیل می‌دهد که با حمایت سازمان‌ها و نهادهای مختلف اقدام به راه‌اندازی کسب‌وکار کرده‌اند. از مجموع این افراد، ۱۰۹ نفر با استفاده از فرمول کوکران انتخاب شده‌اند. روش نمونه‌گیری به صورت انتساب متناسب طبقه‌ای و در مرحله بعد به صورت تصادفی بوده‌است. نخست، مجموعه شهرستان‌های کشور به چند طبقه یا شهرستان تقسیم شده‌اند؛ سپس از هر طبقه تعدادی زن سرپرست خانوار به صورت تصادفی انتخاب و مطالعه شده‌اند. گردآوری داده‌های تحقیق از طریق پرسشنامه انجام شد؛ البته با توجه به وضعیت سواد جامعه مورد بررسی در کنار پرسشنامه از روش مصاحبه نیز استفاده شده است. پرسشنامه تحقیق از سه بخش اساسی ویژگی‌های فردی پاسخگو، ویژگی‌های کسب‌وکار، هزینه‌ها و درآمدهای خانوار از محل‌های مختلف و در نهایت بخش مربوط به مسائل و مشکلات کسب‌وکار و روش‌های بهبود آن تشکیل شده بود. قبل از تکمیل پرسشنامه، با استفاده از کارشناسان محلی فرایند تکمیل پرسشنامه، محدودیت‌های و چگونگی تکمیل آن به نمونه‌های تحقیق آموزش داده شد. رویی صوری پرسشنامه را متخصصان تأیید کردند. به منظور بررسی پایایی ابزار تحقیق ابتدا ۳۰ پرسشنامه در بین نمونه‌های مورد بررسی توزیع و تکمیل شد و با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ (۰/۸۱) قابلیت اعتماد پرسشنامه نیز تأیید شد. تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری‌شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS صورت گرفت. برآورد نیاز اساسی زنان سرپرست خانوار مهم‌ترین متغیر این پژوهش است. برای ارزیابی نیازهای خانوار از روش بررسی و تحلیل حداقل نیاز اساسی خانوار (MBN) استفاده شده است. همان‌طور که گفته شد، این شاخص در سنجش شدت فقر و طبقه‌بندی افراد با توجه به خط فقر کمک می‌کند. معادله ۱ این رابطه را نشان می‌دهد.

$$MBN = \frac{\sum I_i}{N.PL} \cdot 100 \quad (1)$$

در این معادله:

MBN = حداقل نیاز اساسی خانوار؛

I = درآمد خالص خانواده از فعالیت اقتصادی یا کسب‌وکار؛

مالی در توسعه کسب و کارهای کوچک زنان روستایی است. ۴۵/۲ درصد زنان فعال در کسب و کارهای کوچک در یک یا چند دوره کوتاه مدت آموزشی مرتبط با حرفه خود شرکت داشته‌اند و بقیه در هیچ دوره آموزشی شرکت نداشته‌اند.

ارزیابی توانمندی درآمد در تأمین نیازهای اساسی
همان‌طور که ذکر شد، در برآورد نیاز اساسی خانوار از روش MBN استفاده شده است. در این شاخص، از سه متغیر کلیدی استفاده شده است:

درآمد خالص خانواده از محل کسب و کار (I): زنان

سرپرست خانوار روستایی در ایران نیاز مالی خود را به روش‌های مختلف تأمین می‌کنند. تعداد محدودی از آن‌ها به منابع درآمدی مستقل دسترسی دارند اما به‌طور عمده به کمک سایر اعضای خانواده یا کمک‌های انفاقی متکی هستند. سازمان بهزیستی، که متولی رسیدگی به امور زنان سرپرست خانوار است، تعدادی را زیر پوشش خود دارد و ماهانه تا حداکثر ۳۵۰ هزار ریال به آن‌ها مستمری می‌دهد. تعدادی نیز در چهارچوب نظریه توانمندسازی اقدام به راه‌اندازی کسب و کار کرده‌اند. همان‌گونه که جدول ۲ نشان می‌دهد، درآمد این گروه از محل این کسب و کارها به طور متوسط ۱۷۵۰ ریال بوده و از ۲۰۰ هزار ریال تا ۶۵۰۰ هزار ریال متغیر است (انحراف معیار ۱۴۳۰).

کسب و کارهای کوچک در جامعه مورد بررسی از ۲۰۰ هزار ریال تا ۶۵۰۰ هزار ریال متغیر بوده است.

براساس نتایج تحقیق ۳۰/۳ درصد از زنان سرپرست خانوار از محل درآمد کسب و کار توانسته‌اند ماهانه مبلغی را پس‌انداز کنند؛ در حالی که ۴۶/۳ درصد با درآمد حاصل از کسب و کار تنها هزینه‌های جاری خود را تأمین کرده‌اند. ۱۲ درصد توانسته‌اند نیاز خود را به مسکن برآورده سازند یا مسکن خود را تعمیر کنند. عده زیادی از زنان مورد بررسی (۱۱/۱ درصد) اقدام به توسعه کار خود با خرید ابزار و وسایل و نهاده‌های مختلف کرده‌اند. بر اساس اطلاعات موجود ۶۳ درصد زنان از تسهیلات بانک‌ها و مؤسسات مالی برای توسعه و راه‌اندازی کسب و کارهای خود استفاده کرده‌اند. متوسط میزان تسهیلات دریافتی برابر ۴۵۰۰ هزار ریال است. حداقل مقدار تسهیلات ۳۰۰۰ ریال و حداکثر آن ۳۰۰۰۰ ریال بوده است. ۶۷/۳ درصد از این تعداد تسهیلات را بدون سود دریافت کرده‌اند و در مقابل تعدادی نیز با بهره بالا به این تسهیلات دسترسی پیدا کرده‌اند. از مجموع افرادی که از تسهیلات بهره برده‌اند ۶۷/۳ درصد مقدار تسهیلات را برای راه‌اندازی اولیه کسب و کار مناسب دانسته‌اند و در مقابل ۳۲/۷ درصد مبلغ تسهیلات دریافتی را ناکافی دانسته و به روش‌های مختلف درصد تأمین کمبود آن برآمده‌اند. داده‌های مطالعه حاضر نشان می‌دهد استقراض از خویشاوندان، مهم‌ترین راهکار برای جبران کسری منابع

جدول ۲. توزیع فراوانی درآمد زنان روستایی سرپرست خانوار از محل کسب و کارهای کوچک روستایی

ردیف	درآمد حاصل از کسب و کار	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۱	کمتر از ۵۰۰ هزار ریال	۲۴	۲۵	۲۵
۲	۵۰۱ هزار تا یک میلیون ریال	۲۵	۲۶	۵۱
۳	یک میلیون تا دو میلیون ریال	۱۵	۱۵/۶	۶۶/۷
۴	دو میلیون تا چهار میلیون ریال	۲۴	۲۵	۹۱/۷
۵	بیش از چهار میلیون ریال	۸	۸/۳	۱۰۰
۲	بدون پاسخ	۱۳	۱۱/۹	---
	جمع	۱۰۹		
	میانگین: ۱۷۵۰ ریال		مد: ۵۰۰ ریال	
	انحراف معیار: ۱۴۳۰ ریال		مینیمم: ۲۰۰ ریال	
	میانه: ۱۰۰۰ ریال		ماکزیمم: ۶۵۰۰ ریال	

منبع: نتایج تحقیق

مشکل‌تر است. جدول ۳ تعداد افراد تحت تکفل زنان روستایی را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج تعداد افراد تحت تکفل از یک تا هشت نفر متغیر است.

افراد تحت تکفل (N): تعداد افراد تحت تکفل یکی عوامل تأثیرگذار در برآورد نیازهای اساسی زنان سرپرست خانوار روستایی است. هرچه تعداد افراد تحت تکفل بیشتر باشد، امکان تأمین نیازهای اساسی خانوار با درآمد ثابت

جدول ۳. توزیع فراوانی زنان روستایی سرپرست خانوار بر حسب تعداد افراد تحت تکفل

ردیف	افراد تحت تکفل	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۱	۱ نفر	۲۸	۲۵/۷	۲۵/۷
۲	۲ نفر	۲۳	۲۱/۱	۴۶/۸
۳	۳ نفر	۳۰	۲۷/۵	۷۴/۳
۴	۴ نفر	۱۷	۱۵/۶	۸۹/۹
۵	۵ نفر	۶	۵/۵	۹۵/۴
۶	۶ نفر و بیشتر	۵	۴/۶	۱۰۰
	جمع	۱۹۷	۱۰۰	---

مد: ۳
 میانگین: ۲/۵ نفر
 انحراف معیار: ۱/۴
 میانه: ۳
 مینیمم: یک نفر
 ماکزیمم: ۸ نفر

منبع: نتایج تحقیق

می‌شود. امروزه، در تحلیل‌های اقتصادی ایران با استفاده از این روش اعداد بسیار متفاوتی برای خط فقر ارائه می‌شود. واقعیت این است که به دلیل تفاوت هزینه‌های زندگی در مناطق مختلف کشور عملاً معرفی یک رقم برای خط فقر بی‌معنی است. بسیاری از علمای اقتصاد اعتقاد دارند در ایران خط فقر حتی از یک روستا به روستای دیگر تفاوت زیاد و معنی‌داری دارد. نگاهی به محاسبات متخصصان مختلف در زمینه برآورد خط فقر حکایت از تفاوت شدید ارقام پیشنهادی در این خصوص دارد (Arabmazar & Hosseini, 2005). با توجه به مباحث مطرح‌شده و تنوع شدید ارقام ارائه‌شده در مطالعه حاضر، از سناریوها و اعداد مختلف خط فقر استفاده شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

براساس نتایج تحقیق در کنار درآمد زنان سرپرست خانوار از محل کسب‌وکار دو متغیر کلیدی بر توانمندی آن‌ها در پاسخگویی به نیازهای ضروری خانوار تأثیر می‌گذارد. یکی از مهم‌ترین متغیرها خط فقر جامعه روستایی است. نتایج حاکی است با افزایش میزان خط فقر درصد کمتری از زنان سرپرست خانوار قادر خواهند بود از محل درآمد حاصل از کسب‌وکارهای کوچک روستایی به نیازهای اساسی خود

خط فقر سرانه (PL): فقر مقوله‌ای چندبعدی است و پژوهشگران با توجه به دیدگاه‌ها و حوزه مطالعاتی خود به آن پرداخته‌اند. امروزه، تعریف فقر، اندازه‌گیری فقر و تعیین تعداد فقرا به یکی از چالش‌های برنامه‌ریزان توسعه و پژوهشگران این حوزه بدل شده است. نخستین مسئله در حل این چالش انتخاب شاخصی است که بتواند فقیر را از غیر فقیر تشخیص دهد. اندیشمندان حوزه‌های مختلف توسعه در شرایط کنونی خط فقر را برای تشخیص جامعه فقیر از غیرفقیر به کار می‌گیرند. خط فقر را می‌توان بر اساس واحد پولی و حداقل مخارج برای ادامه حیات تعریف کرد؛ اما ابهام در تعریف ادامه حیات موجب شده است که تعاریف مختلفی از فقر و خط فقر بیان شود.

خط فقر سرانه مهم‌ترین متغیر در سنجش و ارزیابی MBN است. این متغیر در ایران مشابه بسیاری از کشورها محاسبه‌نشده و رقم دقیقی برای آن ارائه نشده است. طبق پژوهش‌های انجام‌شده محاسبه خط فقر به بیش از ده روش امکان‌پذیر است و از این جهت بین علمای اقتصاد در مورد روش بهینه اختلاف نظر وجود دارد؛ اما در حال حاضر در بسیاری از کشورهای جهان روش کالری بیش از سایر روش‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این روش، خط فقر بر اساس مصرف ۲۳۰۰ کالری متوسط مصرف روزانه هر خانوار تعیین

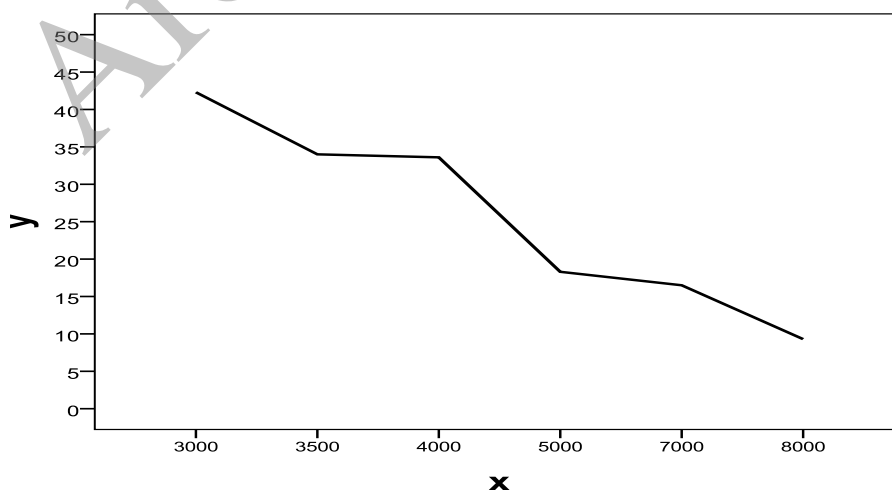
نیاز خود را می‌توانند از محل درآمد کسب‌وکار تأمین کنند. در صورتی که خط فقر هشت میلیون ریال در نظر گرفته شود، حدود ۶۵ درصد جامعه مورد بررسی از محل درآمد کسب‌وکار خود کمتر از ۵۰ درصد نیازهای ضروری را می‌توانند برطرف کنند. در چنین شرایطی، تنها ۹/۳ درصد می‌توانند به نیازهای ضروری خود پاسخ دهند. نگاهی به این جدول چند واقعیت را نشان می‌دهد: نخست آنکه حتی در مطلوب‌ترین شرایط، درآمد حاصل از کسب‌وکارهای کوچک نیاز مالی تنها ۴۲/۳ درصد زنان سرپرست خانوار را تأمین می‌کند؛ به عبارت دیگر، ۴۷/۷ درصد زنان سرپرست خانوار، نیازمند به‌کارگیری منابع مالی دیگر برای تأمین نیازهای زندگی خود هستند. دوم آنکه با افزایش خط فقر فاصله درآمد حاصل از محل کسب‌وکار تا مقدار مورد نیاز برای تأمین نیازهای ضروری با سرعت بیشتر می‌شود.

پاسخ دهند. جدول ۴ نتایج ارزیابی MBN را بر اساس شاخص ترکیبی (بر حسب درصد) نشان می‌دهد. در صورتی که خط فقر به صورت فرضی برابر سه میلیون ریال برای یک خانواده چهارنفره در نظر گرفته‌شود، درآمد حاصل از کسب‌وکار زنان روستایی سرپرست خانوار می‌تواند نیاز اساسی ۴۴/۱ درصد خانوارها را تأمین کند. ۳۲/۵ درصد این افراد تنها می‌توانند ۵۰ درصد نیاز خود را از محل این درآمد تأمین کنند و مابقی نیز (۲۳/۵ درصد) قادرند کمتر از نیمی از نیازهای اساسی خود را برآورده سازند. اگر خط فقر برای یک خانواده چهارنفره روستایی ۳/۵ میلیون ریال در نظر گرفته شود، ۴۲/۳ درصد از زنان سرپرست خانوار قادر خواهند بود نیازهای اساسی خود را از محل درآمد حاصل از کسب‌وکار تأمین کنند. در چنین شرایطی، ۳۳ درصد از نمونه‌های مطالعه‌شده کمتر از ۵۰ درصد نیازهای خود را می‌توانند مرتفع کنند. ۲۴/۷ درصد نیز بین ۵۰ تا ۹۹ درصد

جدول ۴. سهم کسب‌وکارهای کوچک در تأمین نیازهای اساسی زنان سرپرست خانوار (درصد) با سناریوهای مختلف خط فقر

سناریوهای متفاوت در برآورد خط فقر	تأمین کمتر از نیمی از نیازهای اساسی	تأمین نیمی از نیازهای اساسی	تأمین کامل نیازهای اساسی
سه میلیون ریال	۳۳	۲۴/۷	۴۲/۳
۳/۵ میلیون ریال	۳۷/۱	۲۸/۹	۳۴
چهار میلیون ریال	۳۹/۶	۲۶/۸	۳۳/۶
پنج میلیون ریال	۵۰/۵	۲۰/۲	۱۸/۳
هفت میلیون ریال	۵۷/۷	۲۵/۸	۱۶/۵
هشت میلیون ریال	۶۴/۹	۲۵/۸	۹/۳

منبع: نتایج تحقیق



نمودار ۱. رابطه بین خط فقر و درصد زنان سرپرست خانوار که می‌توانند از محل کسب درآمد به نیازهای اساسی خود پاسخ دهند.

منبع: نتایج تحقیق

سرپرست خانوار قادر خواهند بود از محل درآمد حاصل از کسب و کارهای کوچک روستایی به نیازهای اساسی خود پاسخ دهند. جدول ۵ نتایج ارزیابی MBN را بر اساس شاخص ترکیبی (بر حسب درصد) با فرض خط فقر ماهانه ۵۰۰۰ ریال و تأکید بر تعداد افراد تحت تکفل نشان می‌دهد. در صورتی که زنان سرپرست خانوار بدون فرزند باشند، به طور متوسط ۴۷/۹ درصد آن‌ها می‌توانند از محل درآمد خود به طور کامل به نیازهای اساسی خانوار پاسخ دهند. در صورتی که تعداد افراد تحت تکفل ۴ نفر باشد، تنها ۵/۲ درصد زنان قادر به تأمین نیازهای اساسی خود هستند. با افزایش تعداد افراد تحت تکفل عملاً هیچ‌کس قادر به تأمین کامل نیازهای اساسی خود نیست.

نمودار ۱ نیز این واقعیت را به گونه‌ای دیگر نشان می‌دهد. با بالا رفتن خط فقر (X)، توانایی خانوار در تأمین نیازهای اساسی با شیب تندی کاهش می‌یابد (Y).

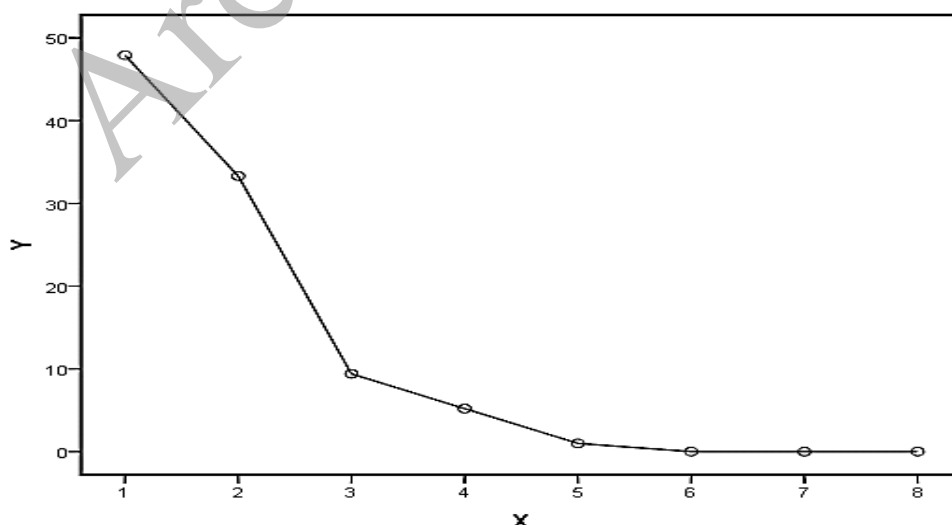
X: سناریوهای مختلف خط فقر برای یک خانواده ۴ نفره روستایی در سال ۱۳۸۹ (هزار ریال)
 Y: درصد زنان سرپرست خانواری که قادرند با درآمد حاصل از کسب و کار به حداقل نیازهای ضروری خود پاسخ دهند.

تعداد افراد تحت تکفل زنان سرپرست خانوار از جمله متغیرهای مؤثر دیگر بر توانایی این افراد در پاسخگویی نیازهای اساسی خانوار است. نتایج بیانگر آن است که با افزایش تعداد افراد تحت تکفل درصد کمتری از زنان

جدول ۵. سهم کسب و کارهای کوچک در تأمین نیازهای اساسی زنان سرپرست خانوار (درصد) با توجه به تعداد افراد تحت تکفل

تعداد افراد تحت تکفل	تأمین کمتر از نیمی از نیازهای اساسی	تأمین نیمی از نیازهای اساسی	تأمین کامل نیازهای اساسی
۱	۳۱/۲	۲۰/۸	۴۷/۹
۲	۵۲/۱	۱۴/۶	۳۳/۳
۳	۶۲/۵	۲۸/۱	۹/۴
۴	۶۶/۷	۲۸/۱	۵/۲
۵	۸۳/۳	۱۵/۶	۱
۶	۹۰/۶	۹/۴	۰
۷	۹۱/۷	۸/۳	۰
۸	۹۴/۸	۵/۲	۰

منبع: نتایج تحقیق



نمودار ۲. رابطه بین تعداد افراد تحت تکفل و درصد زنان سرپرست خانوار که می‌توانند از محل کسب درآمد به نیازهای اساسی خود پاسخ دهند.

۲. آموزش زنان سرپرست خانوار روستایی برای مدیریت بهینه هزینه‌ها و کاهش سطح نیاز خانوار: علاوه بر افزایش سطح درآمد خانوار می‌توان با انجام فعالیت‌های آموزشی- ترویجی توانایی آنان را در استفاده بهینه از منابع و مدیریت مصرف ارتقا بخشید.

۳. توجه جدی به مسئله کنترل جمعیت و کاهش بعد خانوار: یکی از شاخص‌های تأثیرگذار بر توانمندی خانوار در پاسخگویی به نیازهای ضروری خانوار تعداد فرزندان است. کنترل جمعیت باید به عنوان یک سیاست ثابت همواره مورد توجه سیاست‌گذاران اقتصادی و اجتماعی جامعه قرار گیرد.

۴. جبران منابع مالی زنان سرپرست خانوار تا حد خط فقر: نتایج نشان داد حتی در ایدئال‌ترین حالت تنها تعداد محدودی از زنان سرپرست خانوار از محل درآمد کسب‌وکار می‌توانند به نیازهای اساسی و ضروری خود پاسخ دهند؛ به همین دلیل دولت باید منابع لازم زنان سرپرست خانوار و گروه‌های آسیب‌پذیر را تا حد خط فقر جبران کند. بی‌توجهی به این مهم ضمن ایجاد مشکلات شدید اقتصادی و کاهش اعتماد به نفس خانواده‌ها می‌تواند آثار سوء اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جبران‌ناپذیری به دنبال داشته‌باشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان مقاله از صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران ایران (INSF) که بخشی از هزینه این پژوهش را تأمین کرده‌اند صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کند.

REFERENCES

Anjazab B. & T. Faraj khoda (2004). Women's employment and its effects on mental health and family. Two weekly Behavioral Sciences Research, Faculty of Medical Sciences and Health care. Vol (1). N (1). P: 36-51 (In Farsi).

Arab Mazar A. & H. Saadi (2005). Agricultural Bank (Bank Keshavarzi) & support of women heads of household. Vol (4)., N (1). P: 4-28. (In Farsi).

Arab Mazar A. & S. M. Hossainei (2005). Estimate the extent and severity of poverty in rural households of occupational groups in Iran. Journal of Agricultural Economics

نمودار ۲. نیز این واقعیت را به گونه‌ای دیگر نشان می‌دهد. با افزایش تعداد افراد تحت تکفل (X) توانایی خانوار در تأمین نیازهای اساسی با شیب تندی کاهش می‌یابد (Y).
X: تعداد افراد تحت تکفل زنان سرپرست خانوار در سال

۱۳۸۹

Y: درصد زنان سرپرست خانواری که قادرند با درآمد حاصل از کسب‌وکار به نیازهای ضروری خود پاسخ دهند. با توجه به نتایج، در صورت افزایش خط فقر جامعه، در کنار بالابودن افراد تحت تکفل، عملاً کسب‌وکارهای کوچک نقش بسیار محدودی در تأمین نیاز اساسی زنان سرپرست خانوار دارند. در بسیاری از نظام‌های اقتصادی دنیا، در کنار مدیریت تورم و کنترل جمعیت، برای جبران درآمد زنان سرپرست خانوار تا سقف خط فقر یارانه‌هایی از طرف دولت‌ها پرداخت می‌شود. خوشبختانه، در ایران نیز سازمان بهزیستی کشور و کمیته امداد امام (ره) گام‌های مثبتی در این زمینه برداشته‌اند، گرچه تا رسیدن به وضع مطلوب راهی بسیار در پیش است. با توجه به نتایج، می‌توان پیشنهادهای ذیل را ارائه داد:

۱. شناسایی کسب‌وکارهای پردرآمد: با توجه به میزان خط فقر در جوامع روستایی، زنان سرپرست خانوار تنها با افزایش درآمد می‌توانند به نیازهای اساسی خود پاسخ دهند؛ به همین دلیل ضمن تنظیم فهرست کسب‌وکارهای کوچک در هر منطقه می‌توان هر چند وقت یک بار با توجه به وضعیت اقتصادی جامعه و وضعیت درآمدی کسب‌وکار به شناسایی کسب‌وکارهای پردرآمد و معرفی آن‌ها به زنان سرپرست خانوار اقدام کرد.

and Development. Vol (12). N(44). P: 113-125. (In Farsi).

Boldachi T. & A. Forozan & H. Rafeei (2009). Quality of life of women heads of households covered by the Welfare Organization (Sazmane Behzisti) and Working Women in service sector. Journal of Social Welfare. Vol(11). N(40). (In Farsi).

Bullok, S. (1994). Woman Work. Loonden: Zed.

Buvinic, M. (1995). Investing in Woman, Washington DC ,

Carter, N.M, Williams and Reynolds, P.D (1997) Discontinuance among new firms in retail: the influence of initial resources strategy and gender. Journal of Business Venturing. Vol (12), N(2).PP 125-145

- Choghataee M. (1999). Survey on women heads of household in Iran. Research Report. Welfare Organization in Iran Archive. (In Farsi)
- Chun, R.J. (1998). A quick guide for women and minority entrepreneurs. *Entrepreneur*: 25.
- Forozan S. & A. Beiglarian (2004). Women heads of household: Challenge & opportunity. *Journal of Women Studies*. Vol(1), N (5). PP: 35-58 (In Farsi).
- Ghadvamei H. (2006). Compared to self-employed women heads of household and paid women heads of household in Iranian cities. *Journal of Economic Research*. Vol (16), N :(72): p: 227-257. (In Farsi).
- Gholi pour A. & A. Rahimian (2009). Economic factors, cultural and educational relationship with empowerment of women heads of household. *Quarterly social and scientific social welfare*. Vol (11). N (40). P: 29-62. (In Farsi)
- Hagblade, S. & P. Hazell, & T. Reardon (2009). "Transforming the rural nonfarm economy: Opportunities and threats in the developing world," Issue briefs 58, International Food Policy Research Institute (IFPRI).
- Heinonen T. , Mercader M. Quianson J. L. , Penea L. and Baluis L. (2000). Conceptualizing and applying a minimum basic needs approach in southern Philippines. *Health policy and planning* ; 15(2): 194-206 © Oxford University Press 2000
- Hung HF., HP. Kao (2007). Evaluation of design alternatives in collaborative development and production of modular products. *J. Adv. Manuf. Technol.*, 33(11-12): 1065-1076.
- Iranian Statistic Center (ISC). (۲۰۰۹). General results of the Census Population and Housing. <http://www.amar.org.ir>.
- Isenman, P (2002). Basic need: The case of Srilanka. *World development*. Volume 8, Issue 3. The World Bank, Washington, D. C., USA.
- Jones, O. and Macpherson, A. (2006) 'Inter-Organizational Learning and Strategic Renewal in SMEs: Extending the 4I Framework'. *Long Range Planning*, Vol. 39(2), pp. 155-175.
- Kalantari KH. (1998). Small industries and the experience of developing countries. *Monthly Jihad*. N: 188-189. P: 57-62. (In Farsi).
- Ketabei M., B. Yazokhasti., Z. Farrokhi Rastabei (2004). Empowering women to participate in the development. *Journal of Women Studies Center (Tehran University)*. Vol(1). N:7. (In Farsi).
- Khosravi Z. (1999). Survey on Emotional, mental, social problems women heads of household. *Women's Participation Center President organization*. The Archive (In Farsi).
- Letvak, S. (2001). Nurses as working women. *AORN Journal*, 73 (3), 676-682.
- Mason, C. and S. Carter and T. Stephen (2010) *Invisible businesses: the characteristics of home based businesses in the United Kingdom*. *Regional Studies*. ISSN 0034-3404
- Midgley J. 1995. *Social Development: The Developmental Perspective in Social Welfare*. London: Sage Publications.
- Mohapatra, S & et al (2007). The Rise of Self-Employment in Rural China: Development or Distress? *World development*. Volume 35, issue 1, pages 163-181
- Motee N. (2000). Children Opportunity in household with women head. *Journal of Women Studies*. N: 53-54. (In Farsi).
- Sarosa, S. (2007). The information technology adoption process within Indonesian small and medium enterprises. *University of Technology, Sydney*.
- SBA (2012). Small Business Administration (SBA) Size Standards Office. <http://www.sba.gov/about-offices-content/1/2897>
- Shadi Talab GH. & A. Geraeei Nejad (2005). Women heads of household poverty. *Journal of Women Studies*. Vol (2). N(1). P:49-70(In Farsi).
- Sharifi M. A. & A. Asadi & KH. Kalantari & H. Agahi (2011). Factors in achieving self-sufficiency of women heads of household (Kordestan province). *Journal of Women Studies*. Vol(8), N(4).P:121-141 (In Farsi).
- Sharifzadeh A. & Habibpour K. (2004). Cooperative role in realizing the Declaration of the World Summit on Social Development. *Journal of Economic, Social Cooperatives*. N(11). (In Farsi)
- Taher Khani M. (2001). Rural industrialization. *Publications Department of industrial design and operation*. P:53
- UNDP (1994). *The 20/20 Initiative: Achieving Universal Access to Basic Social Services for Sustainable Human Development*. New York: UNICEF.